



هنگامی که مردم گرد هم می آیند تا پیرامون زندگی، خانواده، محله، جامعه، فرهنگ و کشور خویش گفت و گو کنند، همواره به یک پرسش عمده می رسند. آنان می گویند: «ما با انواع چالش‌ها روبه‌رو می شویم، چه باید کرد تا کارساز افتد؟»

این پرسش نمایانگر تقاطعی است که باید شهروندان و متخصصان، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان، اهل عمل و اندیشمندان را به هم پیوند دهد. شهروندان، متخصصان، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان به ندرت با هم کار می کنند. ما اکثراً سرمان به کار خودمان گرم است. هنگامی که با آن سوی قلمرو عمومی ارتباط برقرار می کنیم، غالباً فقط بخشی از چیزی را مطرح می کنیم که سبب گفت و گویی پربار می شود.

شهروندان ممکن است خواسته‌های خویش را مطرح کنند اما از امیدها و آرزوهای خود چیزی نگویند.

متخصصان ممکن است به تخصص خویش اشاره کنند اما آسیب‌پذیری خود را پنهان بدارند.

روزنامه‌نگاران ممکن است اطلاعات خود را ارائه دهند ولی از بی‌خبری و بی‌اطلاعی خویش دم نزنند.

دانشگاهیان ممکن است بینش نقادانه‌شان را بازگو کنند اما از حیرت و سرگردانی خود سخنی به میان نیاورند.

اهل عمل ممکن است کارهای خود را مطرح کنند اما اشاره‌ای به ناکامی‌های خویش نکنند.

اندیشمندان و متفکران ممکن است ایده‌های خود را ارائه دهند اما از تصورات و تخیلات خویش سخنی به میان نیاورند.

خواسته‌ها، تخصص، اطلاعات، انتقاد، اعمال و ایده‌ها از جمله چیزهایی هستند که در اکثر گفت‌وگوهای عمومی مطرح می شوند. امیدها، آسیب‌پذیری، بی‌اطلاعی کتمان شده، اعجاب، ناکامی و

## روزنامه‌نگاری به عنوان یک هنر دموکراتیک\*

نوشته: کول سی - کمپبل  
ترجمه: حسن نورائی‌بیدخت



تخیل از جمله چیزهایی هستند که عنوان نمی‌شوند و یا به شکلی گذرا بدن‌ها اشاره می‌شود.

گفت‌وگو کامل نیست.

ما با همه این چالش‌ها رویارو هستیم. پس - به اتفاق - چه می‌توانیم بکنیم که کارساز افتد؟

ما - به عنوان بیگانگانی آشنا، به عنوان یک فرهنگ دموکراتیک، به عنوان یک جامعه سیاسی - چه می‌توانیم بکنیم که گفت‌وگویی بهتر داشته باشیم؟

در این مقاله می‌کشیم به پرسش‌های مطرح شده زیر پاسخ دهیم: شهروندان از متخصصان، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان چه انتظاری می‌توانند داشته باشند؟ هر یک از این متخصصان چه انتظاری می‌توانند از شهروندان داشته باشند؟ به ویژه، دانشگاهیان - نویسندگان این فصل‌ها - چطور می‌توانند در برخورد با چالش‌های موجود فراروی دموکراسی، فرهنگ، جامعه و صنعت، همکاری مؤثرتری - هدف این مقالات - با روزنامه‌نگاران برقرار کنند؟

من به عنوان یک روزنامه‌نگار در این بحث شرکت می‌کنم و این چیزی است که می‌توانید با توجه به واژه‌ها و اصطلاحات کوتاه، جمله‌های منقطع، و بندها یا پاراگراف‌هایی که در ستون‌های دوازده «پوتنی» جای گرفته اما در اینجا با فاصله بیشتر در کنار هم قرار داده شده‌اند، بدان پی‌ببرید.

ما روزنامه‌نگاران باورهایی داریم که باید در آنها تجدیدنظر شود تا بتوانیم جوامع خویش را در برخورد با مسائلی که پیش‌رو دارند، یاری رسانیم. به گفته ویلیام برادفورد هیوئی William Bradford Huie روزنامه‌نگار آلابامایی تبار، ما معتقدیم که در پی حقیقت هستیم.<sup>۱</sup> ما بر این عقیده‌ایم که تولید ما اطلاعات است که با قدری سرگرمی ارائه می‌شود. براین باوریم که روزنامه‌نگاری کاری با فلسفه

ندارد.

طی بیش از ۲۰ سال گذشته، سخنان شهروندان بسیاری را درباره زندگی‌شان و روزنامه‌های‌شان شنیده‌ام و با توجه به اظهاراتشان به سه باور متفاوت رسیده‌ام:

\* روزنامه‌نگاری با حل مشکلات و مسائل سروکار دارد، نه با کشف حقایق

\* تولید روزنامه‌نگاری به شناخت کمک می‌کند (اما نه یک شناخت تمام و کمال). بنابراین، روزنامه‌نگاری به همان اندازه که درباره شناخت جهان است درباره اطلاعات مربوط به جهان نیز هست.

\* روزنامه‌نگاری فلسفه است، یک مفهوم فلسفی که ارزش بذل توجه و نحوه هر چه بهتر بذل توجه، را دارد.

شهروندان از ما می‌خواهند بهتر به

توقعات شهروندان را برآورده سازد. اگر این ایده‌ها - روزنامه‌نگاری به عنوان رفع‌کننده مشکلات و مسائل، به عنوان عامل مؤثری در شناخت و به عنوان فلسفه مراقبت - را جدی بگیریم چه خواهد شد؟

روزنامه‌نگاری در حکم مشکل‌گشایی

ای.جی. دایون جونیور (E.J. Dionne Jr) از روزنامه‌هاشننگین‌پست از همکاران خویش می‌خواهد تا از طریق تمرکز روی مسائل و مشکلات بدن‌سان که همه‌مان با آن روبه‌رو هستیم، بار دیگر با شهروندان ارتباط برقرار کنند:

در حالی که کشور از یک مجموعه

بحران‌های مختلف گذر می‌کند، وظیفه

■ **شهروندان، متخصصان، روزنامه‌نگاران و دانشگاهیان به‌ندرت با هم کار می‌کنند.**

■ **خواسته‌ها، تخصص، اطلاعات، انتقاد، اعمال و ایده‌ها از جمله چیزهایی هستند که در اکثر گفت‌وگوهای عمومی مطرح می‌شوند.**

■ **ما روزنامه‌نگاران باورهایی داریم که باید در آنها تجدیدنظر شود تا بتوانیم جوامع خویش را در برخورد با مسائلی که پیش‌رو دارند، یاری رسانیم.**

اصلی روزنامه‌نگاری باید دخالت دادن شهروندان در تکاپوی راه‌های پیش‌رو باشد. این امر شناخت جایگزین‌ها و ارزیابی آنها از لحاظ وفاداری‌شان نه تنها به واقعیت‌ها بلکه به ارزش‌ها و تعهدات اخلاقی خواهد بود که شالوده آنها را تشکیل می‌دهد. وظیفه مزبور در بردارنده بحث و مناظره‌ای است که نه صرفاً به عنوان مبارزه بلکه به عنوان بحث و گفت‌وگو نیز تجربه شده است. بدین ترتیب، فراهم آوردن اطلاعات، تازه اول کار آن است.<sup>۲</sup>

بیشتر اوقات، ما روزنامه‌نگاران هرگونه مسؤلیتی برای پوشش خبری خویش را انکار می‌کنیم. ما وانمود می‌کنیم، خبر چیز ملموسی است که صرفاً

وظیفه خویش عمل کرده و آنان را در حل و فصل مشکلات و مسائل دشوار خود و جامعه‌شان یاری رسانیم.

آنان برای این که دیدگاه خویش را نسبت به جهان، شکل دهند، به عنوان یک منبع - اما نه الزاماً یک منبع سطح بالا - به ما رجوع می‌کنند. و به رغم تأکید ما - روزنامه‌نگاران - براین که ما صرفاً هر آنچه را که پیش‌روی ما قرار داشته باشد تحت پوشش قرار می‌دهیم، از روی آنچه که چاپ و پخش می‌کنیم چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که ما از فلسفه خاصی پیروی می‌کنیم و همان فلسفه ما را در مورد آنچه که باید گزارش کنیم، رهنمون می‌شود.

روزنامه‌نگاری شهرت خوبی ندارد زیرا کارمان طوری نیست که انتظارات و

آن را - هر چند با مهارت و ظرافتی خاص - گسردآوری و ارائه می‌کنیم. ما هرگونه تصویری را مبنی براین که با توجه به پیش‌بینی جذابیت یک موضوع، آن را پوشش خبری می‌دهیم، رد می‌کنیم و با گفتن این که بزرگترین هدف ما پی‌گیری و کشف حقایق است، خویشتن را تبرئه می‌کنیم. کوتاه سخن این که ما جویندگان حقیقتی هستیم که به خاطر پی‌گیری صرف آن نمی‌توان ما را مسؤول شناخت. و با وجود این، از نگاه کسانی که به آنها خدمت می‌کنیم حرمت و ارزش این حقیقت‌جویی‌ها همچنان رو به کاهش است.

ریچارد رارتی Richard Rorty، فیلسوف، می‌گوید؛ بالاترین هدف همه

از روزنامه‌ها انتظار دارند که آنان را در حل مشکلات جامعه‌شان یاری رسانده و توانایی آنان را در تبیین راه‌حل‌ها و نیز مشکلات و مسائل موجود تقویت کنند.<sup>۲</sup> یک پژوهش انجام گرفته در سال ۱۹۹۴ توسط مرکز تایمز - می‌رور برای مردم و مطبوعات، نشان داد که نزدیک به سه چهارم پاسخ‌دهندگان معتقدند که مطبوعات، جوامع را در حل و فصل مشکلات و مسائل یاری می‌رسانند.<sup>۵</sup> ما روزنامه‌نگاران اگر مشکل‌گشایی را علت وجودی گزارش خبری خویش قرار دهیم، فرصت زیادی داریم. بدین ترتیب، این مسائل که چطور هر چیزی را گزارش کنیم، بحث را از این که چه کسی به قدرت می‌رسد و چه کسی آن را از دست می‌دهد

■ اگر این ایده‌ها - روزنامه‌نگاری به عنوان رفع‌کننده مشکلات و مسائل، به عنوان عامل مؤثری در شناخت و به عنوان فلسفه مراقبت - را جدی بگیریم چه خواهد شد؟  
■ در حالی که یک کشور از یک مجموعه بحران‌های مختلف گذر می‌کند، وظیفه اصلی روزنامه‌نگاری باید دخالت دادن شهروندان در تکاپوی راه‌های پیش‌رو باشد.

تحقیق‌ها نباید کشف حقیقت باشد. به گفته رارتی، حقیقت توصیف‌ناپذیر است و همواره در برابر تعاریف متغیر و استانداردهای متحول آزمون حقیقت عقب‌نشینی می‌کند. از سوی دیگر او معتقد است که بالاترین هدف همه تحقیقات بایستی مشکل‌گشایی باشد که یک اقدام به مراتب عملی‌تر و مؤثرتر است.<sup>۲</sup>

اگر چه رارتی استدلال خویش را به زبان تقریباً غیرقابل بیان فلسفه علمی بیان می‌کند ولی با همان حالت آمرانه‌ای سخن می‌گوید که ای جی دایون سخن می‌راند و طی مطالعاتی که در سال ۱۹۹۷ از سوی انجمن ویراستاران مطبوعات امریکا انجام گرفت، شهروندان خاطر نشان ساختند که

خارج می‌کند و ما ذهن خود را متوجه حل مسائل می‌کنیم، این که چطور باید مشکلات را از سر راه برداریم، برای مثال، به جای تهیه گزارش درباره کاهش موفقیت دانش‌آموزان در آزمون‌های استاندارد که در حال حاضر در مدارس کشور معمول می‌باشد، می‌توان آن را به عنوان مسأله‌ای مورد بحث قرار داد که باید توسط همه کسانی (دانش‌آموزان، والدین، آموزگاران، اهل محل و نیز مسؤولان، معاونان و مدیران مدارس) که به گونه‌ای با آن ارتباط دارند، حل و فصل شود. چنانچه بخش یا بخش‌هایی از جامعه - از جمله مدیریت مدرسه - که مشارکتشان در حل و فصل یک مسأله ضرورت دارد، در این خصوص همراهی نکنند، در آن صورت آن بخش یا

بخش‌ها را پاسخگو می‌شناسیم. دانشگاهیان می‌توانند در زمینه تبیین و توصیف مسائل و یافتن راه‌هایی برای کمک به بازیگران سیاسی (شهروندان و نیز بازیگران رسمی) همکاری داشته باشند.

روزنامه‌نگاری در نقش یاری‌دهنده برای شناخت

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، پژوهشگران اعلام کردند که رسانه‌های همگانی نمی‌توانند به مردم بگویند چه بیندیشند بلکه می‌توانند به آنها بگویند درباره چه بیندیشند.<sup>۶</sup> طی دهه گذشته، بسیاری از پژوهشگران و متخصصان در مورد چشم‌انداز فرساینده «اضافه‌بار اطلاعاتی»، «نگرانی اطلاعاتی»، «انفجار اطلاعات» و امثال آنها هشدار داده‌اند.<sup>۷</sup>

ادوارد او - ویلسون Edward O. Wilson - جامعه‌شناس هاروارد - درباره هزاره آینده سخن می‌گوید:

در قرن بیست‌ویکم، جهان تنها توسط کسانی که اطلاعات صرف را پردازش می‌کنند اداره نخواهد شد. دانش و فن‌آوری موجب شده است دسترسی به دانش واقعی از انواع مختلف آن به گونه‌ای تصاعدی افزایش و در عین حال هزینه واحد آن کاهش یابد. این دسترسی در آینده‌ای نزدیک به شکل جهانی و دموکراتیک در می‌آید. به‌زودی این دستیابی از طریق تلویزیون و کامپیوتر در همه جا امکان‌پذیر خواهد شد. بعد چه می‌شود؟ پاسخ آن روشن است: ترکیب اطلاعات. ما در اطلاعات غرق می‌شویم و در عین حال برای کسب دانش و خرد دست‌وپا می‌زنیم. از این پس جهان توسط ترکیب‌گران اطلاعات یعنی توسط مردمانی اداره خواهد شد که می‌توانند اطلاعات درست را در زمان درست آن به کار گیرند، درباره آن نقادانه بیندیشند و به گونه‌ای خردمندانه گزینش‌های مهم را

■ روزنامه‌نگاری با حل مشکلات و مسائل سروکار دارد، نه با کشف حقایق.

■ روزنامه‌نگاری به همان اندازه که درباره شناخت جهان است درباره اطلاعات مربوط به جهان نیز هست.

■ پژوهش انجام گرفته در سال ۱۹۹۴ توسط مرکز تایمز - میروور برای مردم و مطبوعات، نشان داد که نزدیک به سه چهارم پاسخ‌دهندگان معتقدند که مطبوعات، جوامع را در حل و فصل مشکلات و مسائل یاری می‌رسانند.

■ در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، پژوهشگران اعلام کردند که رسانه‌های همگانی نمی‌توانند به مردم بگویند چه بیندیشند بلکه می‌توانند به آنها بگویند درباره چه بیندیشند.

انجام دهند.<sup>۸</sup>

آیا ما روزنامه‌نگاران صرفاً مردم را از اطلاعات انباشته خواهیم کرد یا آنان را در تحقق ترکیب اطلاعات یاری خواهیم رساند؟ اگر خواست ما این باشد که جهان در هزاره آینده توسط دموکرات‌ها اداره شود، آیا نباید تا آنجا که ممکن است افراد بیشتری مهارت‌های ترکیب اطلاعات را دارا باشند؟ رسانه‌های خبری به عنوان رسانه‌های همگانی چطور می‌توانند در مورد تضمین این مهارت‌ها مؤثر افتند؟

صرف فرستادن اطلاعات بیشتر از طریق شیلنگ‌های آتش‌نشانی گزارش‌های خبری، یا گرفتن شیلنگ‌های یادشده به طرف مسائل گوناگون، به ترکیب اطلاعات منجر نمی‌شود. مردم به راه‌های دیگری نیز برای پردازش اطلاعات نیاز دارند. روزنامه‌نگاران، با همکاری دانشگاهیان، می‌توانند الگوها و ابزار بهتری در اختیار مردم قرار دهند.

الفرد - ار اوکسنفلدت Alfred R. Oxenfeldt استاد ممتاز تجارت و بازرگانی دانشگاه کلمبیا، می‌نویسد: تنها معدودی از الگوهای حاکم بر کنش‌های ما بر مبنای مطالعه دقیق و

تأمل استوار است. در نتیجه، این الگوها احتمالاً فقط تا حدودی درست است و معایب و کاستی‌های بسیار دارند. باورهای نادرست، اعم از آگاهانه و ناآگاهانه، به جای اطلاعات محدود، علت اکثر تصمیم‌گیری‌های ضعیف و کنش‌های اشتباه به حساب می‌آید.<sup>۹</sup> الگوهای معیوب و باورهای نادرست، نه اطلاعات محدود.

اوکسنفلدت می‌افزاید:

الگوهای معتبر ابزارهای فکری بسیار ارزشمندی هستند. این الگوها شناخت اصولی پدیده‌های پیچیده را القا می‌کنند و تجسم می‌بخشند و بصیرت درباره آنها را افزایش می‌دهند. این شناخت، مسؤولان اجرایی را آگاه می‌کند که چه اطلاعاتی را به دست آورند چگونه آن را تعبیر و تفسیر کنند. واقعیت‌ها به خودی خود معمولاً مبهم و گیج‌کننده‌اند.<sup>۱۰</sup>

اگر به جای «مسئولان اجرایی» هریک از کسانی را که درباره‌شان سخن می‌گوییم، (شهروندان، متخصصان، روزنامه‌نگاران، دانشگاهیان) قرار دهیم، خواهیم دید که نتیجه امر همچنان به قوت خود باقی است.

ما باید بسیاری از الگوهای موجود

خود درباره چگونگی کارکرد واژه‌ها را که در موقع نگران‌کننده بودن عنوان‌ها، جهت انتقال حقایق تازه به درون کالبدهای قدیمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، دوباره مورد بررسی قرار دهیم. مارک سیلک Mark Silk از «اتلانتا جورنال - کانتینوش» می‌گوید؛ سخنوران یونان باستان از این، ترغندها به عنوان "Konoï" (topoi) (مسائل پیش‌پا افتاده) یاد می‌کردند. او فهرستی از «داستان‌های مذهبی اصولی» را که توسط پیتراستاینفلز Peter Steinfels از نیویورک تایمز گردآوری شده است، ارائه می‌دهد:

\* رهبر مذهبی معایب و کاستی‌ها را افشا می‌کند (یا بی‌تفاوت می‌ماند)  
\* دین سنتی به شدت می‌کوشد خود را با دوره مدرن هماهنگ کند.

\* پژوهشگران در روبه‌رویی با اعتقادات دیرپا دچار چالش می‌شوند.

\* هماهنگی میان ادیان بر خصومت موروثی چیره می‌شود.

\* برداشت تازه از کتاب مقدس، خنده‌آور به نظر می‌رسد.

\* اعضای مخلص یک گروه مذهبی افراطی، مردمانی صمیمی و معمولی هستند.<sup>۱۱</sup>

هر خواننده دقیقی، هنگام مطالعه انواع مختلف گزارش‌های خبری، با موارد پیش‌پا افتاده مشابهی روبه‌رو می‌شود. بازرگان خستگی‌ناپذیری که بر یک شرکت بزرگ غلبه می‌یابد، ورزشکار یا ستاره موسیقی راک یا افسر پلیس هولناکی که داوطلب می‌شود با کودکان محروم کار کند و یک مقام اداری که واقعاً به هر چه می‌گوید، عمل می‌کند.

متأسفانه ماجراها و داستان‌هایی که در الگوهای رایج نمی‌گنجد، غالباً تحت پوشش قرار نمی‌گیرند. و در واقع بسیاری از گزارش‌های معمولی روزنامه‌نگاری واقعیت را توصیف نمی‌کنند. پژوهشگران یکی پس از دیگری

گرایش روزنامه‌نگاران به پی‌گیری سرخط‌هایی خبری را که با واقعیت جور در نمی‌آید، عنوان ساخته‌اند. تامس ای - پاترسون Thomas E. Patterson، کارشناس سیاسی، با این گزارش‌های روزنامه‌نگاری که وعده‌های انتخاباتی رؤسای جمهوری، سرپوش‌هایی برای اهداف و مقاصد واقعی آنان است، به مخالفت برمی‌خیزد. وی می‌گوید رؤسای جمهوری تقریباً تمام وعده‌های انتخاباتی‌شان را دنبال می‌کنند حال آن که رسانه‌های خبری روی صرفاً چند مورد کجروی آنان انگشت می‌گذارند که ممکن است تحت تأثیر عوامل متعددی و رای فریبکاری صورت گرفته باشد.<sup>۱۲</sup> دیوید ثلن، مورخ، از طریق مقایسه گزارش‌های خبری مربوط به جلسه‌های استماع قضیه ایران - کونترا با مکاتبات مردم با کمیته مجلس نمایندگان که جلسات استماع قضیه یادشده را برگزار می‌کرد، گزارشگران قضیه «الیونورث» را به چالش طلبید.<sup>۱۳</sup> وقت آن است که در بسیاری از الگوهای مورد استفاده روزنامه‌نگاران تجدید نظر کنیم. از جمله این الگوها می‌توان به موارد مشروحه زیر اشاره کرد: \* این الگو که قدرت فساد می‌آورد و لذا همواره باید محدود نگاه داشته شود. تحت چه شرایطی باید قدرت افزایش یابد؟ در سال ۱۹۲۵، مری پارکر فولت Mary Parker Follett اظهار داشت که «قدرت واقعی ظرفیت است»<sup>۱۴</sup> و در دهه‌های ۱۹۹۰ جی روزن Jay Rosen و دیگران یادآور شده‌اند که مطبوعات باید در بالابردن ظرفیت شهروندان و جوامع در زمینه تلاش برای حل مشکلاتی که پیش‌رو دارند، مشارکت و یاری کنند.<sup>۱۵</sup> \* این الگو که کشمکش یک طرح برد و باخت است و بهترین شیوه شناخت آن تقابل یا هم‌کناری طرف‌های درگیر در آن است. فولت و دیگران یادآوری می‌کنند که راه‌های بسیاری برای حل و فصل

■ در سال ۱۹۲۵، مری پارکر فولت (Mary Parker Follett) اظهار داشت که «قدرت واقعی ظرفیت است» و در دهه ۱۹۹۰ جی روزن (Jay Rosen) و دیگران یادآور شده‌اند که مطبوعات باید در بالابردن ظرفیت شهروندان و جوامع در زمینه تلاش برای حل مشکلاتی که پیش‌رو دارند، مشارکت و یاری کنند.

کشمکش‌ها و برآوردن خواسته‌های همه طرف‌ها وجود دارد،<sup>۱۶</sup> حال آن که ریچارد هاروود Richard Harwood و دیگران استدلال می‌کنند که الگوی مزبور به رفع تنش‌هایی می‌پردازد که شالوده مواضع مورد اختلاف را تشکیل می‌دهند و آنان اظهار می‌دارند که اکثر مردم در مورد هیچ مسأله یا موضوعی، در یک طرف قرار ندارند. بلکه برعکس، دیدگاه‌هایی بسیار متفاوت دارند و به بیان دیگر مواضع خویش درباره یک مسأله خاص را به صراحت ابراز نمی‌دارند.<sup>۱۷</sup> \* الگوی بازارگاه، که برای تشریح انواع کنش‌های غیراقتصادی از جمله انتخابات به کار می‌رود و به خاطر انواع مسائل و مشکلات موجود در خود روزنامه‌نگاری، مورد سرزنش قرار می‌گیرد.<sup>۱۸</sup> (به جای بررسی مجدد جریان‌های اندیشه که جملگی مورد استفاده قرار می‌دهیم، راحت‌تر آن است که سرمایه‌داران و رؤسای شرکت‌ها و مؤسسات را ملامت کنیم. از سوی دیگر، به عنوان یک روزنامه‌نگار شیوه تفکر و اندیشه‌ام را به مراتب آسان‌تر از بازسازی اقتصاد رسانه‌ای می‌توانم تغییر دهم.) حال

این سؤال پیش می‌آید که اگر انتخابات را نه مقابله وعده‌های متعدد برای کسب رأی بلکه فرصتی برای کاربرد ارزیابی‌های مقام‌های مسؤول و یک روند‌گزینش شغلی برای همه داوطلبان احراز مقامی که انتخابات برای آن برگزار می‌شود، مدنظر قرار دهیم، چه پیش خواهد آمد؟<sup>۱۹</sup> این سازه‌های استعاره‌ای بسیار دقیق بوده و ابعاد تازه‌ای به پوشش خبری می‌دهد.

جی روزن، ریچارد هاروود و دیگران پیش از این ابزارهای تازه‌ای برای استفاده روزنامه‌نگاران به وجود آورده‌اند که از آن میان می‌توان به موارد مشروحه زیر اشاره کرد: سازه‌های پردازش داستان‌ها جهت گنجاندن آنها در چارچوب ممکن راه‌های پاسخ به یک مسأله؛ قرار دادن شهروندان در مواضع بازیگران سیاسی نه «ناظرانی صرف»<sup>۲۰</sup> و تهیه نقشه‌هایی برای ورود به لایه‌های دانش در درون جوامع.<sup>۲۱</sup> روزنامه‌نگاران در گوشه‌وکنار کشور روی ابزارهای دیگری - از گفت‌وگوهای روزمره در سطح جامعه گرفته تا نظرسنجی مشورتی و شش‌پاره‌های پیشرفته مصاحبه‌های نامحدود - کار می‌کنند. (عده‌ای حتی برای سرگرمی مردم از کوپن نیز استفاده می‌کنند) دیگران درباره ابزارهایی برای سنجش و گزارش درباره سلامت جوامع در زمینه‌های مختلف جسمی، اجتماعی، مدنی و سیاسی، تحقیق می‌کنند.<sup>۲۲</sup>

این ابزارها چیزی بیش از دستگاه‌های معرفت‌شناسی هستند. آنها ابزار تفکیک رابطه و معنی، کمک به شهروندان برای مشارکت مؤثرتر در حیات عمومی هستند طوری که به طرز مؤثرتری بتوانند اطلاعات را ترکیب کنند و به گفته ویلسون، «گزینش‌های مهم را به گونه‌ای خردمندانانه انجام دهند.»

به مرور زمان، برخی از ابزارها ممکن است مثل اره دستی دیرپا و پردوام باشند، حال آن که برخی دیگر مثل بعضی وسایل

ظاهر فریب آشپزخانه - در پیام‌های بازگانی تلویزیون که در نیمه‌های شب نشان داده می‌شوند - عجیب و در عین حال کم‌اهمیتند.

ولی ما باید فروتنانه روند حرکت به سوی شناخت یا درک مفهوم را ادامه دهیم.

ریچارد هاروود و همکارانش در گروه هاروود، که در زمینه مطالعه در قلمرو عمومی تخصص دارند، اعلام داشته‌اند که شهروندان نه به خاطر نفس شناخت بلکه به خاطر میل درونی (نظریه شخصی) به رسانه‌های خبری روی می‌آورند. آنان نظریه‌ها و دیدگاه‌های ژورنالیستی را در کنار تجربه زندگانی خودشان و نگرش خانواده‌ها، دوستان، همکاران و همسایگان خود قرار می‌دهند. آنان از طریق تفکیک همه اینها به شناخت جهان می‌رسند تا اقدامات ترکیب‌گرایانه خودشان را تکمیل کنند.<sup>۲۳</sup>

از این لحاظ، آنان روزنامه‌نگاری را بیش از آن که یک کالای تمام شده یا کامل ببینند، ماده اولیه یا یک کالای تصفیه شده می‌بینند. اگر ما به تقویت الگوهایی که از آن در توصیف جهان استفاده می‌کنیم بپردازیم و ابزار بهتری در اختیار شهروندان قرار دهیم، ممکن است ارزش خویش را بالا ببریم. ولی باید در نظر داشته باشیم که همواره یاری‌رسان شناخت خواهیم بود نه عرضه‌کننده آن.

### روزنامه‌نگاری به عنوان فلسفه دقت و مراقبت

سائول بیلو Saul Bellow، رمان‌نویس و برنده جایزه نوبل، از آن نوع افرادی است که - با توجه به تصویری که از خود به عنوان پنجره‌هایی رو به دنیا، آینه‌های جامعه، مدافعان آزادی بیان داریم - گمان می‌کنیم عاشق روزنامه‌ها هستند. اگر همین‌طور باشد که ما می‌پنداریم، سخت در اشتباه خواهیم بود زیرا وی طی

■ دانش و فن‌آوری موجب شده است دسترسی به دانش واقعی از انواع مختلف آن به گونه‌ای تصاعدی افزایش و در عین حال هزینه واحد آن کاهش یابد.

■ این دسترسی در آینده‌ای نزدیک به شکل جهانی و دموکراتیک در می‌آید. به‌زودی این دستیابی از طریق تلویزیون و کامپیوتر در همه جا امکان‌پذیر خواهد شد. بعد چه می‌شود؟ پاسخ آن روشن است: ترکیب اطلاعات. ما در اطلاعات غرق می‌شویم و در عین حال برای کسب دانش و خرد دست‌وپا می‌زنیم.

■ ریچارد هاروود و همکارانش در گروه هاروود، که در زمینه مطالعه در قلمرو عمومی تخصص دارند، اعلام داشته‌اند که شهروندان نه به خاطر نفس شناخت بلکه به خاطر میل درونی (نظریه شخصی) به رسانه‌های خبری روی می‌آورند.

نظقی با عنوان «توده پریشان مردم» که در سال ۱۹۹۰ در دانشگاه اکسفورد ایراد کرد، آن را روشن ساخت. او برآورد می‌کند اطلاعاتی که نیویورک‌تایمز در شماره یکی از روزنامه‌های عادی هفته خود جای می‌دهد بیش از کل اطلاعاتی است که یک فرد دوره‌الیزابت در تمام طول عمر خود ممکن بود به دست آورد. او این سؤال را مطرح می‌سازد که، «این همه اطلاعات به چه درد می‌خورد؟ این اطلاعات ما را مسموم می‌سازد.» او می‌افزاید:

روزنامه‌ها را باید محتاطانه، زیرکانه و مدافعتانه مطالعه کرد. شما خوب می‌دانید که روزنامه‌نگاران نمی‌توانند صریحاً به شما بگویند که چه اتفاقاتی رخ می‌دهد. ناظران قابل اعتمادی وجود دارند که معتقدند مطبوعات نمی‌توانند چیزی مثل تصویری واقعی از جهان در اختیار امریکاییان قرار دهند. کلام مکتوب غیرقابل اعتماد و کلام زبانی (رادیسو و تلویزیون) غیرمسئولانه است... دولت ظاهراً قادر نیست اختیارات و زمینه‌های تصمیم‌گیری خود را درک و یا تشریح کند. دشمن دولت یعنی مطبوعات، فعالیت‌های آن را

به گونه‌ای تفسیر می‌کند که تضاد عامه مردم را متزلزل می‌سازد. زبان نامفهوم به کار گرفته شده توسط هر دو رقیب برانگیزاننده است. این زبان هیچ‌انگیزه، وحشت می‌آفریند، مغشوش می‌سازد، انسجام و همبستگی را نابود می‌سازد، درک را ناممکن می‌نماید، و...<sup>۲۵</sup>

البته بحران وقفه‌ناپذیر جهانی، که به عنوان هرج و مرج عصر حاضر شهرت دارد، نتیجه صنعت ارتباطات و انقلاب اطلاعاتی آن نیست! بلکه به خاطر دانش نمادین ما از آنچه رخ می‌دهد، به خاطر شدت ناآگاهی ما و به خاطر آشفتگی درونی و عدم تمرکز شناخت ما و به خاطر اضطراب و نگرانی ما ارتباط‌گران مسؤول آن هستند. فرهیختگان و دانشگاه‌ها نیز، از بعد ایدئولوژیک آن، در این خصوص مسؤولیت بسیار دارند.<sup>۲۶</sup>

راه حل سائول بیلو: «نویسندگان، شاعران، نقاشان، موسیقی‌دانان، فلاسفه، اندیشمندان سیاسی و طبقات دیگری که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند باید خوانندگان، بینندگان و شنوندگان خود را از پریشانی و

اضطراب رهایی بخشند.» او می‌گوید  
رمان‌نویسی که «یک ویژگی متمایز و  
انسانی... بیشتر موسیقایی تا کلامی» بروز  
می‌دهد بر پریشانی و پراکندگی غلبه دارد  
و می‌تواند ناآرامی شدید و حتی  
هرج و مرج را به وحدت و یکپارچگی بدل  
کند و ما را در حالتی از توجه مستقیم قرار  
دهد. مردم تشنه این وضع هستند.»<sup>۲۷</sup>

بیشتر اوقات، روزنامه‌نگاری جنبه  
سرگرم‌کنندگی را برمی‌گزیند، خواه از آن به  
عنوان اخبار مربوط به مشاهیر یاد شود،  
خواه به صورت برنامه‌های سرگرم‌کننده و  
خبرهای جنجال‌برانگیز. اگر روزنامه‌نگاری  
را به عنوان فلسفه دقت و مراقبت در نظر  
بگیریم یعنی به آن به عنوان یک شیوه  
تفکر- پیرامون این که چه چیزی را مورد

دنبال کنند» با این نظریه که «رهبری یعنی  
تأثیرگذاران بر جامعه برای رویارویی با  
مشکلات خود» مقایسه می‌کند.<sup>۲۸</sup> به گفته  
او، رهبران تأثیرگذار معنی دوم را  
برمی‌گزینند. به ویژه، رهبران تأثیرگذار به  
شیوه زیر عمل می‌کنند:

#### ۱. توجه مستقیم

واداشتن مردم به بذل توجه به جای  
منحرف کردن حواس آنان، هسته مرکزی  
این راهبرد به حساب می‌آید.<sup>۲۹</sup>

#### ۲. آزمون واقعیت

مقام‌های مسؤول باید با آگاهی کامل  
موجبات دسترسی مردم را به اطلاعات  
فراهم آورند... شخصیت‌های مسؤول

■ اگر روزنامه‌نگاری را به عنوان فلسفه دقت و مراقبت در نظر بگیریم  
یعنی به آن به عنوان یک شیوه تفکر- پیرامون این که چه چیزی را  
مورد توجه قرار دهیم و این توجه به چه صورتی انجام گیرد- نگاه  
کنیم، آن‌گاه ارزش پایدار و واقعی آن را درک خواهیم کرد.

توجه قرار دهیم و این توجه به چه  
صورتی انجام گیرد- نگاه کنیم، آن‌گاه ارزش  
پایدار و واقعی آن را درک خواهیم کرد.  
نقش اصلی ما نه اطلاع‌رسانی یا شناخت  
بلکه نوعی تنظیم عناوین قابل تأمل،  
مباحثه و بررسی بیشتر است.

رونالد ای - هایفتس Ronald A. Heifetz  
الگوی تازه‌ای از رهبری و یک  
توضیح سیستمیک از چگونگی کارکرد آن  
ارائه می‌دهد که روی تحولات سازگاری  
متمرکز است. الگوی موردنظر وی با بذل  
توجه و تکرار مکرر آن شروع می‌شود.  
روزنامه‌نگاران، از بسیاری از کارهای ما  
الگو برداری می‌کنند.

هایفتس این نظریه را که «رهبری یعنی  
تأثیرگذاران بر جامعه تا دیدگاه رهبر را

صورتی که به درستی تنظیم شده باشد،  
کار انطباق و سازگاری را بهبود می‌بخشد.  
اگر تنها چند نفر یک مسأله مهم را  
ضروری تشخیص دهند، چالش راهبردی،  
یافتن راه‌هایی برای ایجاد فوریت تعمیم  
یافته‌تر و در نتیجه تکمیل قضیه است.

#### ۴. هماهنگ ساختن چشم‌اندازهای منازعه‌آمیز

قطعه‌های یک «پازل» (اطلاعات  
درباره مسأله) در دستان سهامداران در  
بخش‌ها، گروه‌های فشار، سازمان‌ها و  
جوامع، پراکنده است. نه تنها اطلاعات  
پراکنده است بلکه راه‌حل آن نیز مستلزم  
تعدیل‌هایی در موضع‌گیری‌ها و رفتارهای  
مردمان سرزمین‌های مختلف است. از  
این‌رو، یک مقام مسؤول که سهامداران را  
از تبیین و حل و فصل مسأله برکنار نگاه  
می‌دارد، خطر ایجاد یک راه حل ناقص یا  
راه‌حلی برای مسأله عوضی را به جان  
می‌خرد.<sup>۳۲</sup>

#### ۵. انتخاب روند تصمیم‌گیری

موقعیت‌های سازگاران... خواستار  
شیوه عمل مشارکت‌آمیزتری برای انتقال  
مسئولیت به سهامداران اولیه است. از  
آنجا که مسائل و مشکلات عمدتاً در  
رفتارها، ارزش‌ها، عادت‌ها، یا روابط  
جاری نهفته است، مشکل‌گشایی باید در  
قلب و روح آنان صورت گیرد. انسان از  
طریق کارکردن روی مناقشات در درون و  
میان طرف‌های درگیر، در خصوص مسائل  
سازگاری پیشرفت‌هایی حاصل می‌کند.<sup>۳۳</sup>  
این یک طرح نسبتاً قوی برای  
روزنامه‌نگاری تأثیرگذار است. ما  
نمی‌خواهیم شهروندان را برآن داریم که  
دیدگاه ما را درباره این که چه باید کرد،  
دنبال کنند. بلکه هدف ما این است که به  
مردم کمک کنیم تا مشکلات خویش را  
بشناسند و خود در صدد حل و فصل آنها  
بسرآیند. (وگرنه چرا درباره آنها

قاعدتاً عوامل آزمون واقعیت هستند:  
بدیهی است آنان در مقایسه با کسانی که با  
مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند،  
مسائل و مشکلات را به گونه‌ای عینی‌تر  
مورد بررسی قرار می‌دهند. آنان به دلیل  
اختیاراتی که دارند، از موقعیت ویژه‌ای  
برخوردار می‌شوند تا از طریق آن اوضاع را  
بررسی و درک کنند. آنان می‌توانند منابع  
مختلف شواهد و مدارک را مورد بررسی  
قرار دهند.<sup>۳۰</sup>

#### ۳. مدیریت اطلاعات و تنظیم موضوعات

احتمال این که مردم نسبت به  
استدلال‌ها و دیدگاه‌هایی که فوری و  
ضروری به نظر می‌رسند دقت بیشتری  
مبذول دارند، بیشتر است. فوریت، در

## ۵. توصیف روند تصمیم‌گیری

و مسئول دانستن همه طرف‌های ذریبط (از جمله شهروندان، به عنوان بازیگران سیاسی نه به عنوان ناظران انفعالی) به خاطر نقشی که در این قضیه دارند.

در ایسن الگو، نه رهبران و نه روزنامه‌نگاران هیچ‌کدام قدرت یا مسؤلیت را از جامعه نمی‌گیرند. بلکه برعکس، می‌کوشند به بحث و بررسی موضوع نظم بخشند تا اطمینان دهند که جامعه با مسائل و مشکلات خود مقابله می‌کند.

به کمک این روند مصلحت‌اندیشانه ما روزنامه‌نگاران می‌توانیم به فلسفه دقت و مراقبت خویش جان ببخشیم. این امر می‌تواند یاری و همراهی ما با فلسفه غنی حیات عمومی، به عنوان جامعه و به عنوان گفت‌وگو، باشد که در دهه ۱۹۶۰ توسط جان دیوئی John Dewey مطرح و توسط جیمز کری James Carey و جی روزن Jay Rosen در سال‌های اخیر غنی شد و در اینجا مورد بررسی و نقد قرار گرفت.

روزنامه‌نگاری به عنوان حقیقت‌یابی، گزارشگری و انجام گفت‌وگو

پس از سال‌ها تحقیق و بررسی به این نتیجه رسیده‌ام که روزنامه‌نگاری دو وظیفه مهم بر عهده دارد: حقیقت‌یابی و گزارشگری. سنت حقیقت‌یابی، با شهروندان به عنوان مشتری روبه‌رو می‌شود و در ایجاد چیزی شبیه به آنچه جان دیوئی «هوش مصلحت‌اندیشانه» می‌خواند، همکاری می‌کند.<sup>۳۴</sup> قوی‌ترین تجلی آن رسواگری‌ها، روزنامه‌نگاری جست‌وجوگرانه و روزنامه‌نگاری توضیحی است؛ ضعیف‌ترین آن چیزی است که «راس پروت» Ross Perot از آن به عنوان روزنامه‌نگاری «مچ‌گیرانه» یاد می‌کند. سنت گزارشگری، با شهروندان به عنوان مخاطب رفتار می‌کند و از طریق



باز برای ارزیابی منابع مختلف اطلاعات.

۳. مدیریت اطلاعات و تنظیم موضوعات به منظور تناسب و آماده‌سازی آنها برای بحث و بررسی. ما این مقوله‌های خبری را که به منظور تبیین این که چرا یک مسأله خاص باید مورد توجه قرار گیرد، news pegs و nut graf، می‌خوانیم.

۴. اظهار چشم‌اندازهای مجادله‌آمیز فراتر رفتن از ظاهر قضیه و پرداختن به کندوکاوهای گسترده‌ای که شهروندان را یاری می‌رساند تا نه تنها سهم خودشان بلکه سهم دیگران در یک قضیه را نیز درک کنند.

می‌نویسیم؟) رهبران تأثیرگذار و نیز روزنامه‌نگاران تأثیرگذار عملکردهای زیر را در نظر دارند:

۱. توجه مستقیم از طریق ارائه شواهد و مدارک درباره مهمترین مسائل: مضامین بزرگ زندگی و مسائل بزرگ روز، و نیز فوریت‌های روزمره و طغیان‌ها و سرکشی‌هایی که دنیای مردم و جوامعی را شکل می‌بخشند که ما به آنها خدمت می‌کنیم.

۲. آزمون واقعیت به کمک همان روند موجود برای رهبران: دستیابی به اطلاعات و رسیدن به یک نقطه برتر آزاد از خودخواهی، فضایی



چیزی شبیه به آنچه که «جرالد ارلی» Gerald Early آن را «قدرت تجربه زیبایی شناختی» می خواند،<sup>۳۵</sup> مظاهری از شناخت یا احساسات عاطفی بروز می دهد. قوی ترین تجلی آن روزنامه نگاری مبتنی بر علایق انسانی، روزنامه نگاری نوین و روزنامه نگاری ادبی بوده است. ضعیف ترین تجلی آن شایعه پردازی و پرداختن به مسائل سرگرم کننده است.

تنها از طریق بذل و توجه دقیق به محور حرکت فلسفی «دیوئی - کری - روزن» بوده است که به شناخت و سنجش یک سنت دیگر یعنی «سنت حفظ و تداوم گفت و گو» رسیده ام. سنت حفظ گفت و گو، با شهروندان به عنوان شریک رفتار می کند و آنان را یاری می رساند تا به صورت بخشی از چیزی عمل کنند که رالف الیسون Ralph Ellison از آن به عنوان «ضمیر شرطی یا انعکاسی» فرهنگ ما یاد می کند. قوی ترین تجلی آن همکاری بین چاپ و کلام است که ویژگی گسترش دموکراسی به محافل همواره در حال توسعه آمریکا را تشکیل می دهد.

رابرت اچ ویبه Robert H. Wiebe مورخ، می نویسد انرژی خارق العاده مورد نیاز برای حفظ و تحول دموکراسی در اوایل قرن نوزدهم توسط آموزه های از قرائت و مکالمه روزنامه ای تولید می شد. شبکه در حال ظهور روزنامه ها شهروندان را که در آن زمان حق رأی صرفاً به مردان سفیدپوست منحصر بود - بر آن داشت که به منظور ارتباط با بحث و مناظره عمومی، سواد بیاموزند. شیوه یا هنجارهای مناظره عمومی دگرگون شد و یک زبان نسبتاً شسته رفته معمولی ایجاد کرد که در سطح کشور به منزله واسطه ای برای بحث دموکراتیک مورد استفاده قرار گرفت.<sup>۳۸</sup>

ویبه می نویسد، مشارکت جوهره دموکراسی بود: سیاست دموکراتیک یک روند

عمومی لرزان بود؛ راه پیمایی، سرودخوانی، مناظره، مناظره، رأی گیری. مردم با درخواست یکجا، به ایسن روند می پیوستند. خشم از پنهان کاری، تقاضا برای گشادگی، پاسخی کاربردی به موقعیت هایی بود که دموکراسی را ناممکن می ساخت. بدون دسترسی به این روند، شهروندان نقشی ندارند؛ معاملات محرمانه آنان را فلج می کرد. این واقعیت که شهروندان همواره در حیات عمومی فعالیت می کردند، به گفته برخی اروپایی ها، نشانه ای از بی نظمی عصبی کشور نبود. امریکایی ها دموکراسی خویش را زنده نگاه می داشتند. بی تحرکی و سکون همه چیز را از بین برد.<sup>۳۹</sup>

که برای عامه مردم قابل دریافت بود.<sup>۴۱</sup> لیپمن وجود عامل قدرتمند شهرت را، که نمی گذاشت کارشناسان «بی رحم» باشند، لازم می دید. به گفته جیمز کری، مسأله این است که این سیاست دموکراتیک شهرت و کارشناسان، ناتوانی روان شناختی مردم از مشارکت در آن را تأیید می کرد. باز هم این امر یک نظام سیاسی دموکراسی بدون شهروند پدید آورد.<sup>۴۲</sup>

در نتیجه، به گفته جیمز کری، ما یک روزنامه نگاری بی اعتبار شده داریم: ما نوعی روزنامه نگاری به وجود آوردیم که یک سیستم هشدار اولیه بود، اما سیستمی که توده مردم را همواره در حالتی از اضطراب و نگرانی نگاه

## ■ کول سی - کمپل: پس از سالها تحقیق و بررسی به این نتیجه رسیده ام که روزنامه نگاری دو وظیفه مهم بر عهده دارد: حقیقت یابی و گزارشگری.

متأسفانه در اوایل قرن بیستم، روزنامه نگاران تغییر موضع دادند. ما جهان بینی والت تر لیپمن Walter Lippmann را از یاد نبرده ایم. به گفته جیمز کری، کتاب «افکار عمومی»<sup>۴۰</sup> لیپمن پایه گذار روزنامه نگاری نوین آمریکا محسوب می شود. جیمز کری دیدگاه لیپمن را به شرح زیر خلاصه کرده است:

روزنامه نگاران اصولاً به عنوان رساناهایی عمل کردند که حقایق را که توسط کارشناسان (دانشمندان در آزمایشگاه های شان و بوروکرات ها در ادارات و دفاتر شان واصل می شد، تسقویت (رله) می کردند. حقیقت، محصول گفت و گو یا مناظره عامه مردم یا تحقیقات روزنامه نگاران نبود. روزنامه نگاران صرفاً زبان پر رمزوراز کارشناسان را به زبانی تبدیل می کردند

می داشت. این نوعی روزنامه نگاری است که جریان مستمری از افکار کارشناسان ارائه می دهد، ولی چون در میان کارشناسان اتفاق نظری وجود ندارد، بیش از آن که ارائه دهنده شواهد و مدارکی درباره حقیقت باشد، چیزی به سان ملاحظه شایعات نمایشی و اعمال نفوذ شدید است. این نوعی روزنامه نگاری واقعیت است بدون توجه به درک و شناختی که از طریق آن توده مردم سازمان دهی شده، از سازمان یافتگی خارج می شود، و صرفاً تضاد های کارشناسان را که از بالا می رسد، تأیید می کنند. به طور کلی، این نوعی روزنامه نگاری است که خود را به نام توده مردم توجیه می کند اما این توده در آن نقشی ندارد مگر به عنوان مخاطب. این روزنامه نگاری چیزی

است که باید توسط کارشناسان آگاه گردیده و بهانه‌ای برای کاربرد شهرت عمل نماید.<sup>۴۳</sup>

■ رابرت اچ ویبه مورخ، می‌نویسد انرژی خارق‌العاده موردنیاز برای حفظ و تحول دموکراسی در اوایل قرن نوزدهم توسط آمیزه‌ای از قرائت و مکالمه روزنامه‌ای تولید می‌شد.

■ جنگ‌های بین مطبوعات و منابع آن عمدتاً بر سر منابعی است که همواره پرده‌های چندلایه‌ای بر روی رخدادهای می‌اندازند و روزنامه‌نگاران با شدت هر چه بیشتر می‌کوشند تا این پرده‌ها را سوراخ کنند.<sup>۴۴</sup> توده مردم به طرز فزاینده‌ای نگران، منزوی و بدبین شده‌اند. این توده یاد می‌گیرند که به هرآنچه که توسط نخبگان یا روزنامه‌نگاران عرضه می‌شود بی‌اعتماد باشند و بدتر از همه، به همه زبان‌ها بی‌اعتماد شده و به زبان به عنوان ابزار صرف جلب توجه و سردرگم کردن نگاه کنند.<sup>۴۵</sup> نتیجه این که:

■ اگر نخواهیم بیش از این اعتبار دموکراسی را کاهش دهیم، بایستی سنت حفظ گفت‌وگوی روزنامه‌نگاری را دوباره تقویت کنیم.

جنگ‌های بین مطبوعات و منابع آن عمدتاً بر سر منابعی است که همواره پرده‌های چندلایه‌ای بر روی رخدادهای می‌اندازند و روزنامه‌نگاران با شدت هر چه بیشتر می‌کوشند تا این پرده‌ها را سوراخ کنند.<sup>۴۴</sup> توده مردم به طرز فزاینده‌ای نگران، منزوی و بدبین شده‌اند. این توده یاد می‌گیرند که به هرآنچه که توسط نخبگان یا روزنامه‌نگاران عرضه می‌شود بی‌اعتماد باشند و بدتر از همه، به همه زبان‌ها بی‌اعتماد شده و به زبان به عنوان ابزار صرف جلب توجه و سردرگم کردن نگاه کنند.<sup>۴۵</sup> نتیجه این که:

امروزه، امریکایی‌ها علاقه به سیاست را از دست داده‌اند. ... به‌طور کلی، مطبوعات حیثیت و اعتبار خود را از دست دادند؛ دیگر کسی حرف آنها را باور ندارد. به‌طوری که نظرسنجی‌های فراوان نشان می‌دهد، روزنامه‌نگاران مورد بی‌اعتمادی مردم واقع شده و به جای آن که راهی به سوی سیاست و اصلاحات سیاسی باز کنند، مانعی بر سر این راه به حساب می‌آیند.<sup>۴۶</sup>

اگر نخواهیم بیش از این اعتبار دموکراسی را کاهش دهیم، بایستی سنت حفظ گفت‌وگوی روزنامه‌نگاری را دوباره تقویت کنیم. ما روزنامه‌نگاران می‌توانیم ایده‌ها و اطلاعاتی به آن گفت‌وگو بیفزاییم، اما بیشتر باید ببینیم شهروندان عادی چه می‌گویند، بار دیگر آنان را به گفت‌وگوی سیاسی که آن را پوشش می‌دهیم بکشانیم و آن را در نشریات و فرستنده‌های رادیو و تلویزیونی خویش بگنجانیم. ما می‌توانیم جریان آنچه را که ارزش بحث فوری دارد و آنچه را که بحث آن را می‌شود به روز بعد موکول کرد منظم کنیم، منتها در صورتی که خویش را همراهان مردم و جوامعی بدانیم که بدیشان خدمت می‌کنیم نه این که خود را

از آنان برتر ببینیم.

ما به عنوان روزنامه‌نگار و دانشگاهی، کارهای بسیاری می‌توانیم بکنیم تا تأثیرگذاری خودمان را افزایش داده و بر تأثیرگذاری شهروندان و متخصصان نیز بیفزاییم. امریکایی‌ها باید در زمینه ایجاد الگوها و بازارهای نوین همکاری کنند نه این که صرفاً از آنها انتقاد کنند، زیرا این الگوها و ابزارها بایستی آلیاژی از عمل و نظریه، اندیشه و کنتش باشند.

ما به عنوان روزنامه‌نگار و دانشگاهی، کارهای بسیاری می‌توانیم بکنیم تا تأثیرگذاری خودمان را افزایش داده و بر تأثیرگذاری شهروندان و متخصصان نیز بیفزاییم. امریکایی‌ها باید در زمینه ایجاد الگوها و بازارهای نوین همکاری کنند نه این که صرفاً از آنها انتقاد کنند، زیرا این الگوها و ابزارها بایستی آلیاژی از عمل و نظریه، اندیشه و کنتش باشند.

ما به عنوان روزنامه‌نگار و دانشگاهی، کارهای بسیاری می‌توانیم بکنیم تا تأثیرگذاری خودمان را افزایش داده و بر تأثیرگذاری شهروندان و متخصصان نیز بیفزاییم. امریکایی‌ها باید در زمینه ایجاد الگوها و بازارهای نوین همکاری کنند نه این که صرفاً از آنها انتقاد کنند، زیرا این الگوها و ابزارها بایستی آلیاژی از عمل و نظریه، اندیشه و کنتش باشند.

ما به عنوان روزنامه‌نگار و دانشگاهی، کارهای بسیاری می‌توانیم بکنیم تا تأثیرگذاری خودمان را افزایش داده و بر تأثیرگذاری شهروندان و متخصصان نیز بیفزاییم. امریکایی‌ها باید در زمینه ایجاد الگوها و بازارهای نوین همکاری کنند نه این که صرفاً از آنها انتقاد کنند، زیرا این الگوها و ابزارها بایستی آلیاژی از عمل و نظریه، اندیشه و کنتش باشند.

ما به عنوان روزنامه‌نگار و دانشگاهی، کارهای بسیاری می‌توانیم بکنیم تا تأثیرگذاری خودمان را افزایش داده و بر تأثیرگذاری شهروندان و متخصصان نیز بیفزاییم. امریکایی‌ها باید در زمینه ایجاد الگوها و بازارهای نوین همکاری کنند نه این که صرفاً از آنها انتقاد کنند، زیرا این الگوها و ابزارها بایستی آلیاژی از عمل و نظریه، اندیشه و کنتش باشند.

کار عمومی هنگامی است که شهروندان گرد هم آیند تا نهادهای واقعی و پایدار ایجاد کنند. ما این کار را نیز می‌توانیم بهتر پوشش دهیم.

\* اتاق‌های خبر را به دانشگاه‌ها و دانشگاه‌ها را به اتاق‌های خبر بیاوریم تا تشریح مساعی و فراگیری در هر دو طرف را گسترش بخشیم.

\* سنت‌های سه‌گانه حقیقت‌یابی، گزارشگری و حفظ‌گفت‌وگو را تقویت و تلفیق کنیم.

چنانچه شهامت انجامش را داشته باشیم، یک کار انقلابی نیز وجود دارد. در اینجا دو راه وجود دارد که از طریق آن می‌توانیم به عنوان روزنامه‌نگار تحولی اصولی در روزنامه‌نگاری خویش صورت دهیم.

۱. اگر روزنامه‌نگاری خود را از منابع خبر دور ساخته و گرایش آن را متوجه دریافت‌کنندگان خبر سازیم، چه خواهد شد؟ اگر به جای تمرکز روی نهادها و سازمان‌ها توجه خویش را روی خوشی‌ها و ناخوشی‌های زندگانی مردم متمرکز سازیم چه می‌شود؟ به جای سخن گفتن درباره تالار شهر، می‌توان گزارشی درباره یک مشارکت سیاسی ارائه داد که از آنچه در این تالار می‌گذرد خبر دهد آن هم به صورتی که مردم را در تأثیر گذاردن بر آن یاری بخشد. به جا پوشش خبری پزشکان و موفقیت‌های درمانی با استفاده از بیماران به عنوان تصاویری از توانایی‌های دست‌اندرکاران و متخصصان امور بهداشتی، می‌توان بیماران را پوشش داد و از پزشکان و موفقیت‌های درمانی به عنوان تصاویری از مشکل‌گشایی استفاده کرد. اگر ما نهادها و سازمان‌ها را نه منابع خبر بلکه منابعی برای مشکل‌گشایی تلقی کنیم که شهروندان می‌توانند با آنها همکاری کنند، چه خواهد شد؟

۲. اگر روزنامه‌نگاری خویش را از توصیف وضعیت حاضر دور ساخته و آن

را متوجه تصور یک جایگزین بهتر سازیم چه می‌شود؟ خانم «ماکسین گرین» Maxine Greene استاد تعلیم و تربیت دانشگاه کالیفرنیا، به این نتیجه رسیده است که روی تصور به عنوان ابزاری تمرکز یابد که از طریق آن می‌توان یک دنیای منسجم و یکپارچه ایجاد کرد، چرا که تا حدودی تصور چیزی است که وحدت و همدلی را امکان‌پذیر می‌سازد. تخیل چیزی است که ما را قادر می‌کند فضای خالی بین خودمان و کسانی را که ما آموزگاران، سال‌های سال آنان را «دیگری» خوانده‌ایم، درنوردیم... در میان همه ظرفیت‌های شناخت نگرانه‌ای که داریم، تصور و تخیل ظرفیتی است که به ما امکان می‌دهد به واقعیت‌های جایگزین اعتبار ببخشیم.<sup>۴۷</sup> وی می‌افزاید:

ما تصور و تخیل اجتماعی خود را نیز داریم: ظرفیت خلق پنداره‌هایی از آنچه که باید باشد و آنچه ممکن است در اجتماع ناقص ما، در خیابانی که در آن زندگی می‌کنیم و در مدارس مان وجود داشته باشد. در حالی که راجع به تصور و تخیل اجتماعی می‌نویسم، به یاد این گفته ژان پل سارتر می‌افتم که «هنگام روز است که می‌توانیم به فکر وضعیتی بیفتیم که نور تازه‌ای به مسائل و مشکلاتمان می‌تابد و ما به این نتیجه می‌رسیم که اینها غیرقابل تحمل هستند. یعنی ما تنها هنگامی به سختی موقعیت‌ها اعتراف می‌کنیم که وضعیت دیگری در ذهن داریم که در آن همه چیز بهتر خواهد بود...»

و تنها در آن هنگام است که ما می‌توانیم به فکر مرمت یا بازسازی بیفتیم.<sup>۴۸</sup>

ما نمی‌توانیم از توصیف وضعیت حاضر دست برداریم؛ این امر در مورد بذل توجه مستقیم، آزمون واقعیت، تنظیم موضوعات و مسائل جنبه اساسی دارد. ولی نباید بگذاریم که این امر بر شیوه تفکر و چگونگی انتشار مطالب اعم از

مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی برتری یابد. ما باید برای درک راه‌های جایگزین زندگی در یک دنیای برخوردار از عدالت، تلاش کنیم.

با ارائه این ایده‌های رادیکال‌تر، عمدتاً از خودمان می‌خواهم که تجاری را که در این شماره مورد بحث قرار گرفته است، همچنان مورد مطالعه قرار دهیم. در تاریخ دموکراتیک ما، که در آن چیزهای ثابت اندک و همه چیز همواره در مخاطره است، این امر صدق می‌کند. «جین بتکه‌الشتین» Jean Bethke Elshtain می‌گوید:

از به جنگ طلیده شدن جسورانه امپراتوری بریتانیا توسط جفرسون گرفته تا ملت لینکلن که این چنین شیفته رؤیای مسارتین لوترکینگ درباره مردمان دموکراتیک اصولاً آرامی شده‌اند که نه از روی رنگ پوست هموطنان خود بلکه از روی ماهیت شخصیت‌شان درباره آنها قضاوت می‌کنند، فرهنگ دموکراتیک نه یک موفقیت بلکه یک شرط بوده است.<sup>۴۹</sup> کار ما به عنوان روزنامه‌نگار و دانشگاهی، به عنوان شهروند و متخصص، حفظ و ارتقای فرهنگ دموکراتیک به عنوان یک شرط ارزشمند است. این همان فرهنگی است که من می‌خواهم آن را با قدرت هر چه بیشتر به نسل‌های آینده منتقل کنم. ما باید همواره بکوشیم تا دموکراسی را زنده نگاه داریم. بی‌حرکی و سکون، همه چیز را از بین می‌برد. □

#### منابع:

The IDEA of Public Journalism, NewYork, The Guilford press, 1999, 229p.

1. Conversation with E.Culpepper Clark, dean of the college of Communication and Information Sciences, University of Alabama, in Tuscaloosa, Alabama, April 22, 1998. The university's Center for Public Television and Radio produced a documentary on Huie whose title, *I'm in the Truth business*, was a direct quotation from him. Huie is best known from his

of Harvard University Press, 1994), p.14.

29. Heifetz, *Leadership Without Easy Answers*, p.113.

30. Heifetz, *Leadership Without Easy Answers*, pp.114f.

31. Heifetz, *Leadership Without Easy Answers*, p.116.

32. Heifetz, *Leadership Without Easy Answers*, p.118.

33. Heifetz, *Leadership Without Easy Answers*, p.121.

34. Gerald Early, "Decoding Ralph Ellison," *Dissent*, 44,3 (Summer 1997):114-118.

35. Early, "Decoding Ralph Ellison," pp.114-118.

36. Most of My Understanding of Dewey comes through other commentators, including Carey and Rosen. The best starting point to tackle Dewey is John Dewey, *The Public and Its Problems* (New York: Holt, 1927). Carey's work is compiled in two sources: James W. Carey, *Communication as Culture: Essays on Media and Society* (New York: Routledge, 1989), and *James Carey: A Critical Reader*, cited earlier at note 6. The best introduction to Rosen's work is Jay Rosen, *Getting the Connections Right: Public Journalism and the Troubles in the Press* (New York: Twentieth Century Fund, 1996). His contribution to this volume, "The Action of the Idea: Public Journalism in Built Form" (Chapter 2) is not only the latest extension of his ideas but also, in its endnotes, the source of a great bibliography of relevant work. For his most comprehensive discussion, see Jay Rosen, *What Are Journalists For?*, Forthcoming from Yale University Press.

37. Early, "Decoding Ralph Ellison," pp.114-118.

38. Robert H. Wiebe, *Self-Rule: A Cultural History of American Democracy* (Chicago: The University of Chicago Press, 1995), pp.67-68.

39. Wiebe, *Self-Rule*, p. 68.

40. Carey, James Carey: A Critical Reader, P. 245.

41. Carey, A Critical Reader, p.246.

42. Carey, A Critical Reader, p.246.

43. Carey, A Critical Reader, p.247.

44. Carey, A Critical Reader, p.247.

45. Carey, A Critical Reader, p.248.

46. Carey, A Critical Reader, pp. 248-249.

47. Maxine Greene, *Releasing the Imagination: Essays on Education, the Arts, and Social Change* (San Francisco: Jossey-Bass, 1995), p.3.

48. Greene, *Releasing the Imagination*, p.5.

49. Jean Bethke Elshtain, *Real Politics: At the Center of Everyday Life* (Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1997), p.363.

1994, p. 10.

16. Follett, "Constructive Conflict," in *Mary Parker Follett*, cited above at note 14, pp. 67-87.

17. "Meaningful Chaos: How People Form Relationships with Public Concerns," a report prepared for the Kettering Foundation by The Harwood Group (Dayton, OH: Kettering Foundation, 1993).

18. See, for example, John H. McManus, *Market-Driven Journalism: Let the Citizens Beware?* (Thousand Oaks, CA: Sage Publications, 1994), and David Pearce Demers, *The Menace of the Corporate Newspaper: Fact or Fiction* (Ames: Iowa State University Press, 1996).

19. Cole C. Campbell, "Solving Problems, Listening to Local Voters," *Nieman Reports*, L,2(Summer 1996): 15-17.

20. Jay Rosen, "Public Journalism as a Democratic Art," in Jay Rosen, Davis Merritt, and Lisa Austin, *Public Journalism: Theory and Practice: Lessons from Experience* (Dayton, OH: Kettering Foundation, 1997). Framing is discussed on pages 8 through 12 of a typescript of this chapter, and positioning is discussed on pages 14 and 15.

21. Richard C. Harwood, *Tapping Civic Life: How to report First, and Best, What's happening in Your Community* (Washington, DC: Pew Center for Civic Journalism, 1996).

22. See Arthur Charity, *Doing Public Journalism* (New York: Guilford Press, 1995), for a good baseline summary of these activities. See also Davis Merritt, *Public Journalism and Public Life: Why Telling the News Is Not Enough* (Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Publishers, 1995). The Pew Center for Civic Journalism has published some studies of projects, including *Civic Journalism: Six Case Studies*, eds. Jan Schaffer and Edward D. Miller (Washington, DC: Pew Center for Civic Journalism, 1995), and *Civic Lessons: Report on Four Civic Journalism Projects*, Esther Thorson and Lewis A. Freidland, evaluators, and Peggy Anderson, report writer (Washington, DC: Pew Center for Civic Journalism, 1997).

23. See in particular Richard C. Harwood, *America's Struggle Within: Citizens Talk about the State of the Union* (Washington, DC: Pew center for Civic Journalism, 1995), pp. 13-15.

24. Saul Bellow, "The Distracted Public," in *It All Adds Up: From the Dim Past to the Uncertain Future* (New York: Viking, 1994), p.157.

25. Bellow, "The Distracted Public," p.157.

26. Bellow, "The Distracted Public," p.160.

27. Bellow, "The Distracted Public," pp.167,168.

28. Ronald A. Heifetz, *Leadership Without Easy Answers* (Cambridge, MA: Belknap Press

reporting about Emmitt Till murder, the trial and execution of Private Eddie Slovak. And the novel that was the basis of the movie *The Americanization of Emily*.

2. E.J. Dionne Jr., *They Only Look Dead: Why Progressives Will Dominate the Next Political Era* (New York: Simon & Shuster, 1996), pp. 258-259.

3. Richard Roty, "Is Truth a Goal of inquiry?: Donald Davidson versus Crispin Wright," in *Truth And Progress: Philosophical Papers* (Cambridge, UK: Cambridge University Press, 1998), pp. 19-42.

4. "Leveraging Newspaper Assets," a report prepared for ASNE and NAA by Clark, Matire & Barolomeo Inc. (Reston, VA: American Society of Newspaper Editors, April 1998).

5. The People, the Press and Politics: The New Political Landscape" (Washington, DC: Times-Mirror Center for the People and the Press, 1994).

6. See, for example, James Carey, "The Chicago School and the history of Mass Communication Research," in *James Carey: A Critical Reader*, eds. Eve Stryker Munson and Catherine A. Warren (Minneapolis: University of Minnesota Press, 1997), pp. 14-33.

7. See for example, William J. Donnelly, *The Confetti Generation: How The New Communication Technology Is Fragmenting America* (New York: Holt, 1986), and Richard Saul Wurman, *Information Anxiety* (New York: Doubleday, 1989).

8. Edward O. Wilson, *Consilience: The Unity of Knowledge* (New York: Knopf, 1998), p. 269.

9. Alfred R. Oxenfeldt, "Models for Executive Decisions," *Decision Economics* (Menlo Park, CA: Crisp, 1997), pp. 17-88.

10. Oxenfeldt, "Models for Executive Decisions," p. 18.

11. Mark Silk, *Unsecular Media: Making News of Religion in America* (Urbana, IL: University of Illinois Press, 1995), pp. 49-55. Steinfeld's list is on pages 53 and 54.

12. Thomas E. Patterson, *Out of Order* (New York: Vintage Books, 1994).

13. David Thelen, *Becoming Citizens in the Age of Television: How Americans Challenged the Media and Seized Political Initiative during the Iran-Contra Debate* (Chicago: The University of Chicago Press, 1996).

14. Marry Parker Follett, "Power," in *Marry Parker Follett: Prophet of Management*, ed. Pauline Graham (Boston: Harvard business School Press, 1995), p.111.

15. Jay Rosen, "Getting The Connections Right: What Public Journalism Might Be," presentation to the Project on Public Life and the Press, American press Institute, June 13,